

## گزارش

## بعثت خون؛ از خیابان‌های تهران تا کوچه‌های غزه

**هدایت جاوید** | در شرایط جاری، احتمالاً سخت‌ترین کار ممکن ترسیم آینده مناسبات تهران و واشنگتن است. روابط کجدار و مریز، با تهاجم علیه کشورمان به بن‌بست رسید و حال طرفین برای به کرسی نشاندن نیاستان‌ها چانه‌زنی در میز مذاکره و زورآزمایی در میدان نبرد فعال هستند. در همین راستا «سیدمحسن رضا نقوی» و وزیر کشور پاکستان دیروز برای چندمین بار راهی ایران شد؛ رخدادی که برخی آن را در مسیر نیاز ترامپ برای بستن توافقی هر چند حداقلی در هنگامه جام جهانی و به‌ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و با نیت تعدیل قیمت‌ها در بازار انرژی تعبیر می‌کنند. موازی با خط دیپلماتیک؛ میچ‌اندازی و وزن‌کشی نظامی در خلیج فارس ادامه داشته و روز گذشته جمهوری اسلامی در تلافی تلاش نیروی دریایی ایالات متحده برای گذر دادن چند نفتکش از تنگه هرمز بدون اجازه ایران، پایگاه علی‌السالم کویت و ناوگان پنجم آمریکا در بحرین را زیر آتش گرفت.

تهران تاکنون بدون رودریابستی نشان داده برای هر مرحله از رویارویی با زیاده‌خواهی طرف غربی برنامه داشته و حاضر به عقب‌نشینی از منافع مشروع ملت نیست. مرور وقایع اخیر نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در این مقطع حتی از راهبرد «چشم در مقابل چشم» و «موشک در برابر موشک» گذر کرده و به دنبال تحمیل هزینه بیشتر به دشمن است تا آن را از محاسبات اشتباهی بعدی بر حذر دارد. هشتاد تخلیه به ساکنان شمال سرزمین‌های اشغالی توسط سرلشکر علی عبداللهی، فرمانده فرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) در مقابل شرات و تهدید نتانیاهو برای حمله گسترده به ضاحیه جنوبی بیروت، گواه چنین رویکردی است. همچنین سپاه پاسداران چند روز پیش و پس از حمله ارتش آمریکا به کشتی ایرانی «لیان استار»، علاوه بر هدف گرفتن کشتی «msc.sariska»، پایگاه‌های ایالات متحده در کویت را با ۱۳ موشک و پهپاد هدف گرفت که در مسیر همین راهبرد باید تعبیر کرد.

جمهوری اسلامی به این هم بسنده نکرده و با مشت پر برای تحمیل شکست به‌دشمن، گزینه‌های مختلفی روی میز دارد. دو مورد از مهم‌ترین گزینه‌های موجود از پیام چندروز پیش فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران قابل تشخیص و استناد است. سردار اسماعیل قآنی در بخشی از بیانیه خود هشتاد می‌دهد ادامه جنایت‌های رژیم صهیونیستی با پشتیبانی آمریکا در لبنان؛فعال‌سازی سایر جبهه‌ها به‌ویژه همسان‌سازی وضعیت ترافیکی باب‌المنذب با تنگه هرمز را به دنبال خواهد داشت. با این حال آنچه در ادامه پیام قآنی آمده و در چند روز گذشته رسانه‌ها کمتر به آن توجه کردند، حائز اهمیت ویژه‌ای است.

دو سال از حماسه ۷ اکتبر مبارزان فلسطینی گذشته و رژیم صهیونیستی در جنایت علیه غزه کم نگذاشته و به اصطلاح معروف این باریکه را شخم زده، اما هشتاد فرمانده نیروی قدس سپاه درباره گرفتار شدن دشمن در «طوفان دوباره جوانمردان فلسطینی» معنادار است. آمریکا و رژیم صهیونیستی به زعم خود در تلاش برای فشار بر ایران و همچنین مقابله با حزب‌الله با هدف وارد کردن ضربه نهایی به پیکره مقاومت هستند، غافل از آنکه برخلاف تصورشان مقاومت فلسطینی بیخ گوششان و زیر پوست خرابه‌های غزه در حال جوانه زدن است. فعال شدن دوباره مقاومت در غزه مظلوم از سخنان اخیر سخنگوی قسام شاخه نظامی حماس قابل برداشت است، جایی که ابوعبیده می‌گوید: «دشمن بزدل تصور می‌کند با ترور فرماندهان، ما را تضعیف می‌کند؛ در حالی که خون آن‌ها سوخت کشتی ما برای عبور از سختی‌هاست. صورت‌حساب جنایات دشمن باز است و اشغالگران باید بهای سنگین اقدامات خود را بپردازند». با این اوصاف، در ۱۰۰ روزگی شهادت قائد امت، امروز بعثت خون از خیابان‌های تهران تا کوچه پسکوچه‌های غزه جریان داشته و در حال چهرنمایی است و این واقعیتی است که آینده را رقم زده و دشمن باید از آن بترسد.

### خبر

معاون اول رئیس‌جمهور در بازدید از دانشگاه علم و صنعت:

## زمینه بازگشت نخبگان و استادان را فراهم آوریم

معاون اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه باید از ظرفیت ایرانیان علاقه‌مند به خدمت به کشور استفاده کنیم، تصریح کرد: با طراحی مشوق‌های مناسب، زمینه بازگشت نخبگان و استادان را فراهم کنیم. نباید دنبال این باشیم چرا استادان مهاجرت کرده‌اند، بلکه باید به بازگرداندن آنان بیندیشیم. به گزارش ایسنا، محمدرضا عارف در بازدید از دانشگاه علم و صنعت و دیدار رئیس، مدیران و اعضای هیئت علمی این دانشگاه، با اشاره به تغییر شرایط کشور پس از جنگ رمضان افزود: در این شرایط، دانشگاه‌ها مسئولیت مهم‌تری بر عهده دارند. دانشگاه‌ها از ابتدای انقلاب نقش تمدن‌سازی داشته‌اند و امروز نیز باید در حل چالش‌های کشور، توسعه علم و فناوری و دستیابی به مرجعیت علمی در جهان نقش آفرینی کنند.

وی تأکید کرد: با وجود نخبگان، متخصصان و دانشگاهیان کشور هیچ نگرانی درباره بازسازی، بهسازی و نوسازی مراکز آسیب‌دیده وجود ندارد و دانشگاه‌ها باید در تدوین برنامه‌های کشور متناسب با شرایط جدید پسا جنگ نقش محوری ایفا کنند. عارف همچنین با اشاره به موضوع مهاجرت نخبگان، تصریح کرد: در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم شاهد مهاجرت معکوس نخبگان و مردم به کشور بودیم. باید از ظرفیت ایرانیان علاقه‌مند به خدمت به کشور استفاده کنیم و با طراحی مشوق‌های مناسب، زمینه بازگشت نخبگان و استادان را فراهم کنیم. معاون اول رئیس‌جمهور در پایان بر ضرورت تقسیم کار ملی میان دانشگاه‌ها و سایر نهادها برای پیشبرد برنامه‌های راهبردی کشور تأکید کرد و گفت: دولت نیز وظیفه دارد مسائل معیشتی استادان و دانشجویان را پیگیری کند و یکی از برنامه‌های دولت، حرکت به سمت تبدیل دانشگاه‌ها به نهادهای علمی عمومی است.

**گروه سیاسی** | ۱۵روز پیش از آن شنبه تلخ، در یک دیدار محرمانه، بنیامین نتانیاهو توانسته بود دونالد ترامپ را متقاعد کند که ساختار حاکمیت ایران تنها به یک ضربه کاری نیاز دارد تا از درون متلاشی شود. این محاسبه، بر پایه رؤیایی بنا شده بود که استراتژیست‌های واشنگتن و تل آویو سال‌ها در پی آن بودند.

■**نمای اول: شوک، بهت و انجماد زمان**

۱۰۰ روز پیش، جنگ دقیقاً بر اساس همان سناریو محرمانه ترامپ آغاز شد. در صبح شنبه ۹ اسفند، صدای انفجارهای پیاپی در قلب تهران، نفس‌ها را در سینه حبس کرد. پایان روز، نتانیاهو جلو دوربین رفت و اعلام کرد اسرائیل، رهبر ایران و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی را ترور کرده است. این یک عملیات نظامی یا حتی یک ترور معمولی نبود، بلکه تلاشی برنامه‌ریزی شده بود برای ایجاد یک زلزله سیاسی در ایران و آغاز فروپاشی. این بهت سنگین، با قساوتی دیگر در هم آمیخت. صبح همان روز، هم‌زمان با ترور رهبر معظم انقلاب و فرماندهان نظامی، مدرسه‌ای در میناب، دو بار با موشک‌های آمریکایی هدف قرار داده شد و بیش از ۱۰۰ کودک دختر و پسر، بر پر شدند. جنایتی هولناک که هنوز داغش تازه بوده و وجدان جمعی مردم ایران را جریحه‌دار کرده است. فراموش نمی‌کنیم که از ماکان نصیری، کودک کلاس اولی که در مدرسه میناب به شهادت رسید، تنها یک لنگه کفش پیدا شد.

■**نمای دوم: خیابان‌هایی که سنگر شدند**

طراحان جنگ در اتاق‌های عملیات خود منتظر بودند تا پس از این حجم از ویرانی، دومینو فروپاشی از درون آغاز شود. اما این خیال خام، دیری نپایید. جامعه ایران، سوگ و حماسه را در هم آمیخت و با حفظ خیابان، نقشه دشمن را نقش بر آب کرد. ۱۰۰ روز ایستادگی، الگویی جدید و بی‌نظیری از استقامت مردمی را پیش چشم جهان قرار داد؛ رفتاری کم‌نظیر، برخاسته از غیرت دینی، عرق ملی و آگاهی تاریخی. در کنار این بلوغ اجتماعی، رفتار مدنی و اقتصادی مردم نیز بی‌نظیر بود. برخلاف بسیاری از کشورها که در شرایط مشابه با فقسه‌های خالی و هجوم عصبی مردم مواجه می‌شوند، هیچ رفتار عجولانه‌ای دیده نشد. دولت نیز با تسلطی قابل‌قدرتانی، کنترل بازار را در دست گرفت و اجازه نداد سایه کمبود، بر وحشت جنگ افزوده شود. رضا پهلوی، آن پیرکودک بی‌فرهنگ هم که رؤیای تاج‌گذاری در تهران را در سر می‌پروراند، خود و فرقه کم‌هوش‌تر از خودش، همچون کف‌روی آب چنان نیست شدند که گویی هرگز وجود نداشته‌اند.

فراموش نمی‌کنیم تکیه بر مردم، چه قدرت کم‌نظیری را به ارمغان می‌آورد. باید این قدرت را ورای «تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی» قدر دانست و آن را موتور اصلی پیشرفت کشور قرار داد.

## جنگی تحمیل شد ولی سربازان دلیر وطن در میدان‌های رزم و ملت فهیم ایران در خیابان‌های اتحاد، دشمن را ناکام گذاشتند، در هفت نما این پیکار سرنوشت‌ساز را مرور کرده‌ایم

# ۱۰۰روز حماسه و همبستگی



## جامعه ایران، سوگ و حماسه را در هم آمیخت و با حفظ خیابان، نقشه دشمن را نقش بر آب کرد. ۱۰۰روز ایستادگی، الگویی جدید و بی‌نظیری از استقامت مردمی را پیش چشم جهان قرار داد

■**نمای سوم: اقتدار در تنگه هرمز**

در آن نشست محرمانه، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به ترامپ وعده داده بود که ایران توان بستن تنگه هرمز یا گسترش دامنه جنگ را نخواهد داشت، اما بافاصله پس از شروع جنگ، نیروهای مسلح ایران، با وجود ترور فرماندهان ارشد نظامی، کنترل تنگه هرمز را به دست گرفتند، دایره جنگ را به منطقه گسترش دادند. اسرائیل را پیوسته موشکیاران کردند و ضربات سنگینی به پایگاه‌های نظامی آمریکا وارد کردند.

حالا ترامپ که نتوانسته بود به اهدافی که در سر داشت برسد، یک اتفاق تازه هم رقم زده بود. تنگه‌ای که پیش از شروع جنگ با بود، دیگر مثل سابق نیست و ایران کنترل تردد در آن را در دست گرفته است. یک شرمساری مضاعف که بخشی از رون‌پریشی‌های این مدت رئیس‌جمهور آمریکا را توضیح می‌دهد. در ۱۰۰روز گذشته ایران تسلط خود بر تنگه هرمز را تثبیت کرده است. حالا اگر کشتی یا نفتکشی هم

حالا یک نوآوری شگرف دینی، در قالب نظام جمهوری اسلامی، ایران را بیش از هر زمان دیگری در آستانه آن قرار می‌داد؛ یک دولت - ملت مستقل با همه الزامات آن! الگویی برای همه ستم‌دیدگان و استمارشدگان تاریخ در گستره جهانی جغرافیا!

آنچه به عنوان صدور انقلاب از آن یاد شده، نه یک دستورالعمل یا آیین‌نامه اجرایی، که فرایندی کاملاً طبیعی و نتیجه منطقی موفقیت مردم ایران در حرکت به سوی هله رفیع استقلال است و حالا متفکران و اندیشمندان راستین جهان را به این اعتراف واداشته که این مردم و حکومت ایران بوده که توانسته‌اند یک انحراف از معیار واقعی در مناسبات قدرت جهانی ایجاد کنند؛ معیاری که صرفاً به عریان‌ترین و خشن‌ترین ساحت قدرت، یعنی زور و سلاح تکیه داشته و انحرافی مقدس که جهت این قبله‌نما را به سوی معنا، فطرت، انسان و مقاومت تغییر داده است!

به‌بازراندگی پیشدستانه و پایدار باشد. هر چند تبیین ابعاد مختلف این دستاورد بر عهده متخصصان امر است؛ اما این بلوغ حداقل شامل سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه بومی، احصا و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین تسلیحاتی و ادغام هوشمندانه با اقتصاد دانش‌بنیان یا همان هوش مصنوعی است. بدون این سطح از بلوغ، هر گونه نقش آفرینی در سناریوهای آخرالزمانی، سخت یا حتی غیرممکن خواهد بود. مطالعات استراتژیک نشان می‌دهد بازراندگی موفق، نیازمندتعادل میان هزینه‌های دفاعی و سایر ابعاد توسعه ملی است تا از «تله امنیت» (security dilemma) جلوگیری شود.

۲. **بلوغ اقتصادی و صنعتی؛ استقلال از دلار و نفت:** بلوغ اقتصادی به معنای دستیابی به مقاومت (resilience) ساختاری در برابر شوک‌های خارجی، تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به منابع تک‌محصولی است. در ادبیات اقتصاد توسعه، به‌ویژه نظر به‌های صنعتی شدن در هنگام (late industrialization) مطالعات بانک جهانی، تأکید بر تنوع‌بخشی اقتصادی، ارتقای زنجیره ارزش و کاهش آسیب‌پذیری ارزی زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند. استقلال از «جریان دلار» و نفت، نیازمند گذار به اقتصاد دانش محور، تقویت بخش خصوصی مولد و توسعه فناوری‌های جایگزین انرژی است. رویکرد اصلی ایران در این حوزه باید تمرکز بر خودتأکیاد صنعتی از طریق سیاست‌های صنعتی هدفمند باشد؛ سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهور، اصلاح نظام مالی برای کاهش تورم ساختاری و ادغام هوشمند و ایمن در اقتصاد بین‌المللی بدون تسلیم به تحریم‌ها و البته حفظ و ارتقای ارزش پول ملی حداقل اقداماتی است که در این حوزه باید انجام شود. این

طراحی کرده بودند، بدون تنش و با آرامش محض به کار خود ادامه داد و بحران را تبدیل به ثباتی دوباره کرد.

■**نمای پنجم: ادامه جنگ در راهروهای دیپلماسی**

در آستانه چهلمین روز، زمانی که ماشین جنگی دشمن از ادامه تحرک یک‌طرفه بازماند، وحتى در عملیات آزادسازی خلیبان خود دریبایان های اصفهان هم متحمل شکست شد آتش بس اعلام شد و فاز جدید نبرد، در راهروهای دیپلماسی آغاز شد؛ جنگی که اگر سخت‌تر از تقابل نظامی نباشد، آسان‌تر نیست. پاکستان میزبان تلاش‌هایی برای پایداری آتش‌بس و پایان جنگ بود، ولی ایران حاضر نیست بدون پذیرش شروط منطقی خود، پایان جنگ را اعلام کند؛ چرا که می‌داند این برای دشمن تنها توقفی برای شروع دوباره جنگ است. دیپلماسی مسیر پرچالشی است، ولی هر جنگی باید از این مسیر گذر کند. رهبر انقلاب، با پایان موقت حملات نظامی و شروع مذاکرات، بارها به همگان هشدار داده است که نباید موجب تضعیف وحدت و انسجام شوند. یکپارچگی، شرط نخست تقابل با دشمن است.

فراموش نمی‌کنیم که مسیر دیپلماسی، همان طور که شهید لاریجانی زمانی آن را طی کرده بود، مسیری است آغشته با طعنه و بدنامی و گاه تخریب و ناچوانمردی.

■**نمای ششم: جنگ اقتصادی**

با فاصله‌کمی پس از آتش‌بس، ترامپ فرمان محاصره دریایی را صادر کرد. با آغاز محاصره دریایی و کاهش شدید فروش نفت، ما عملاً وارد یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار شده‌ایم. استراتژی مقابله در این فاز، به مراتب پیچیده‌تر، فرسایشی‌تر و نیازمند آرایش جدیدی از وحدت نظام سیاسی و جامعه است. فراموش نمی‌کنیم که تاب‌آوری جامعه، نقطه جدیدی است که دشمن آن را هدف گرفته است.

■**نمای هفتم: حزب‌الله، پاره تن مقاومت**

در سوی دیگر میدان این جنگ، جبهه مقاومت ساختار در هم تنیده خود را نشان داد. حزب‌الله لبنان که بسیاری گمان می‌کردند پس از شهادت سیدحسین نصرالله توان عملیاتی خود را از دست داده است، پیش از آنکه طرح‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل عملی شود، به حمایت از ایران وارد نبرد شد. با آغاز آتش‌بس، ایران هوشمندانه فشار آورد که این توقف درگیری باید شامل لبنان نیز بشود. پافشاری ایران تا جایی پیش رفت که تهدید به تعلیق مذاکرات کرد؛ اهرمی که در نهایت شکاف میان واشنگتن و تل آویو را بیشتر کرد. فریاد‌های عصبی ترامپ بر سر نتانیاهو، اسرائیل را از دروازه‌های بیروت عقب راند، هرچند آسمان جنوب لبنان هنوز آبیستن آتش است.فراموش نمی‌کنیم که حزب‌الله لبنان، در نفیگرست‌ترین روزهای جنگ، به کمک ایران آمد و ایران نیز حزب‌الله را تنها نخواهد گذاشت.

«روسفیدان» این ۱۰۰روز جنگ، که خود امتداد نبردی ازلی و ابدی است میان خیر و شر؛ در وهله نخست، شهدای والا مقام؛ از شخص «سیدعلی حسینی خامنه‌ای» و سربازانش در نیروهای مسلح تا غیرنظامیانی هستند که به دست «الله» سبخانه و تعالی برگزیده شدند تا ستارگان راهنمای آسمان این شب تاریک تاریخ بشر باشند و پس از ایشان، ملت شریف ایران، مقاومین لبنان و فلسطین و عراق و یمن و همه آزادگان جهان که دانه‌دردشت‌های این غربال عظیم انسانی‌اند که با امنیت خدشه‌دار شده، عزیزان از دست رفته، معیشت به گروگان گرفته شده و... با فریاد، حمایت، حضور و حتی گاهی با سکوت و «آب به آسیاب دشمن نریختن»، مجاهدانه و آگاهانه با وجود همه تفاوت‌ها، سلابق و دل‌واپسی‌های غالباً برحق، در حال ایفای نقش محول شده توسط زعیم عزیز جامعه اسلامی هستند:اللهم احشRNA معهم.

بلوغ، پایه‌ای برای پایداری در درازمدت فراهم کرده و از تبدیل شدن اقتصاد به ابزار فشار خارجی و چانه‌زنی دشمن جلوگیری می‌کند. بدون محقق کردن این امر در اقتصاد و صنعت، هر ادعایی برای ایفای نقش تمدنی، با محدودیت‌های مادی مواجه خواهد شد.

۳. **بلوغ اجتماعی و مدنی؛ تثبیت دموکراسی و بالفعل کردن بعثت ملت:** بلوغ اجتماعی و مدنی به معنای تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت مؤثر شهروندی و نهادینه‌سازی حکمرانی مشارکتی است. از نخستین روز پیروزی انقلاب اسلامی، مسیر رشد ملت ایران به‌سوی ایجاد حکومتی مبتنی بر ارزش‌های الهی شروع شده و از آنجا که این ایده تازه و بدیع بوده است، ایرانی‌ها بارها و بارها، آزمون و خطا کرده‌اند، اما آنچه واضح است اینکه این رشد و بلوغ باید تثبیت شود تا زمینه تکرار شکست‌ها از بین برود. تثبیت رشد مردم‌سالاری دینی نه به معنای الگوبرداری کورکورانه، بلکه بومی‌سازی مکانیسم‌های مشارکت، شفافیت و حل تعارضات درون‌جامعه‌ای است.

رویکرد اصلی ایران باید حرکت به سمت جامعه‌ای باشد که در آن، ظرفیت‌های مدنی بالفعل شده و شکاف‌های اجتماعی به حداقل برسد. این امر از طریق حکمرانی قانون اساسی، تقویت آموزش، اولویت‌دهی به پروژه‌های واقعی، اصلاحات نهادی و بهره‌گیری از فناوری برای مشارکت گسترده‌تر محقق می‌شود. بدون این بلوغ، حرکت پایدار به‌سوی عملی کردن پروژه‌های بزرگ تمدنی ممکن نخواهد بود. تازمانی که حداقل در سه حوزه گفته شده به بلوغ و رشد واقعی نرسیم، نمی‌توانیم به اهداف در نظر گرفته شده برای یک «ملت مبعوث» برسیم و این تنها و تنها نزع نهایی میان حق و باطل را به تأخیر خواهد انداخت.